

تحلیل و واکاوی «نئوگلستان»؛ نقیضه‌ای نو از گلستان سعدی

اکرم هراتیان^{*}، زهرا دهقانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

سال نوزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۲، صص ۱۵۴-۱۳۵

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8202>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: نقیضه (Parody) نوعی تقلید سخره‌آمیز از یک شاهکار ادبی است. شاعر و نویسنده نقیضه از سبک، قالب و طرز نگارش نویسنده یا شاعری خاص تقلید میکند؛ اما به جای موضوعات جدی و وزین اثر اصلی (الگو)، مطالبی کاملاً مغایر و کم‌اهمیت می‌گنجاند تا در نهایت نمونه‌ای طنز و سخره‌آمیز از اثر اصلی تولید کرده، به گونه‌ای تمسخرآلود آن اثر را جواب گفته باشد. نئوگلستان پدram ابراهیمی، نوترین نقیضه گلستان سعدی است که در آغاز دهه نود، منتشر شد. در این جستار قصد داریم ضمن پرداختن به مفهوم نقیضه و نقیضه‌پردازی، به بررسی نئوگلستان و تحلیل ویژگیهای سبکی و محتوایی آن بپردازیم و به این هدف دست یابیم که نئوگلستان چگونه نقیضه‌ای است، ساختار آن چگونه است و میزان توفیق نویسنده در آفرینش این مجموعه و نقیضه‌پردازی تا چه اندازه است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، داده‌های تحقیق کتابخانه-ای و اسنادی است. نخست دو کتاب نئوگلستان و گلستان بررسی شده؛ سپس از طریق منابع و مآخذ مرتبط با موضوع، اطلاعات لازم گردآوری، جمع‌بندی و تحلیل شده است.

یافته‌ها: نئوگلستان با دیگر نقیضه‌های گلستان تفاوت‌هایی دارد؛ نویسنده تعدادی از حکایات گلستان را برگزیده و با توجه به مسائل اجتماعی روز، آن حکایات را به صورتی هزل‌آمیز و طنزگونه تغییر داده است. در عین حال جملات اثر سرمشق را هم در لابه‌لای همان حکایات شاهد هستیم. این خلأیت نویسنده، نئوگلستان را از سایر نقیضه‌های گلستان سعدی متمایز کرده است.

نتیجه‌گیری: نئوگلستان همه ویژگیهای لازم برای یک نقیضه موفق را دارد. نویسنده هم در آن ابتکار زیادی به خرج داده، هم اصل یادآوری سرمشق را رعایت کرده است. افزون بر این دارای مضامین و محتوای پرکششی است که مخاطب را سرگرم میکند. نئوگلستان حکایات و واژگان پست و رکیک هم ندارد و از این حیث یک اثر طنزآمیز موفق به حساب می‌آید.

تاریخ دریافت: ۰۳ اسفند ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۱۰ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۲۵ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۰۴ خرداد ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

سعدی، گلستان، نئوگلستان، پدram ابراهیمی، نقیضه

* نویسنده مسئول:

akramharatian@iaui.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis and Critical Study of “Neo-Golestan”: A Contemporary Parody of Saadi’s Golestan

A. Heratian*, Z. Dehghani

Department of Persian Language and Literature, Isf. C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 22 February 2026

Reviewed: 30 March 2026

Revised: 14 April 2026

Accepted: 25 May 2026

KEYWORDS

Golestan, Neo-Golestan, Pedram Ebrahimi, Parody

*Corresponding Author

✉ akramharatian@iaui.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: A parody is a form of humorous imitation that mocks a literary masterpiece. The poet and author of a parody imitates the style, form, and stylistic features of a particular poet or author but replaces the serious and weighty content of the original work (model) with subjects that are trivial or contrary in nature. The result is a comic reinterpretation of the original work that ridicules the source text. Neo-Golestan by Pedram Ebrahimi stands as the most recent parody of Saadi’s Golestan, first published in the early 2010s. This research aims to discuss the concept and process of parody-making and to analyze Neo-Golestan in terms of its stylistic and thematic elements. The study further seeks to reveal the nature of this parody, its structure, and the extent of the author’s success in creating this work and parody-making.

METHODOLOGY: The present study follows a descriptive-analytical method, and its data are collected using desk and documentary sources. Both Golestan and Neo-Golestan were thoroughly examined, after which the necessary data were collected, organized, and analyzed through relevant references.

FINDINGS: Neo-Golestan differs from earlier parodies of Golestan. The author selected several of Saadi’s anecdotes and reshaped them into humorous, satirical stories consistent with modern social concerns. Simultaneously, the sentences from the original work are woven into these anecdotes. This creativity distinguishes Neo-Golestan from other parodies of Saadi’s Golestan.

CONCLUSION: Neo-Golestan has all the necessary traits of an effective parody. The author demonstrates inventive recall of the original model. Furthermore, it offers appealing content that attracts the reader’s attention. Neo-Golestan is free of vulgar or obscene expressions and anecdotes, making it a successful comic work.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8202>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 0	 0

مقدمه

«نقیضه» در لغت به معنی «باشگونه جواب گفتن شعر کسی را» و «نقیضه کردن» به معنی «شعر کسی را جواب گفتن» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۶۸۳) و در اصطلاح، به تقلید اغراق آمیز و مضحک از اثری ادبی اطلاق می‌شود. «در این تقلید که می‌تواند از کلمات، سبک، نگرش، لحن یا بیان عقاید نویسنده باشد، سایه‌ اثر اصلی همواره محسوس است. البته باید در نظر داشت در نقیضه‌نویسی اثر ادبی دوم استقلال هنری خاص خود را دارد» (اصلانی، ۱۳۸۵: ۲۲۹).

«معدل انگلیسی نقیضه، (Parody) است از واژه‌ای یونانی به معنای ترانه تقلیدی. پارودی، تقلید از واژه‌ها، سبک، نگرش، لحن و ایده‌های یک نویسنده است، به شکلی که باعث خنده یا تمسخر شود. این کار معمولاً با بزرگنمایی یا تقلید از ویژگیهای برجسته نویسنده انجام می‌شود» (Cuddon, 1984: 483).

همچنین، پارودی که در قدیم به آن نقیضه می‌گفتند و برخی آن را نظیره طنزآمیز ترجمه کرده‌اند، شعری است که به تقلید از شعر دیگری سروده شده و مبتنی بر طنز و هزل است و در واقع اثر دوم، اثر نخستین را به سخره گرفته است (شمیسا، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳).

نقیضه‌پردازان گاه از روی یک عبارت و کلام یا یک بیت و همچنین قطعه شعری از غزل و قصیده و مثنوی نقیضه می‌سازند و آن را سرمشق خود قرار می‌دهند و گاه کتابی را سرمشق قرار داده و نقیضه‌اش را می‌سازند، مانند گلستان سعدی که افرادی به پیروی از آن نقیضه ساخته‌اند (اخوان ثالث، ۱۳۷۴، ص ۱۳۸ و ۱۵۹).

«پارودی یک ژانر ادبی نیست بلکه تنها یکی از فنون طنزنویسی است با اغراض متفاوت هزل، هجو و طنز که می‌تواند برای طنزآمیزکردن هر ژانر ادبی بکار رود و موجب تطور انواع شود. پارودی یک قالب نظم مثل غزل و قصیده یا نثر مثل رمان و داستان هم نیست بلکه ممکن است ساخت هر قالب نظم و نثری را مورد تقلید قرار دهد. در واقع نقیضه همانند ساخت شکنی، ساختهای پیشین را به عاریه می‌گیرد و در آنها دخل و تصرف می‌کند و با نقض (شکستن) آنها، اثری ثانوی خلق می‌کند» (حاجی مرادخانی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴).

گلستان سعدی یکی از فاخرترین نمونه‌های نثر فارسی است و «شیخ شیرین سخن شیراز، «سعدی» بی‌هنباز، یکی از شوخ‌طبع‌ترین و بذله‌گوی‌ترین نام‌آوران فرهنگ ماست. ... شاید همین خوی طنزازی شیخ، در کنار حضور همواره و غیرقابل انکارش در حیات فردی و اجتماعی ما فارسی‌زبانان، باعث آمده است تا از همان قرب عهد او تا امروز، بسیاری کسان با او و آثار او شوخی کنند و برای شعر و نثرش نقیضه بپردازند و گاه و بیگاه، بی‌خوفِ تکدر خاطر شیفتگانِ پرشمار شیخ، سر شوخی را با او باز کنند؛ یا درست‌تر بگوییم: حال که سر شوخی را او باز کرده است، اینان رشته شوخ‌طبعی را از دست فرونگذارند» (جهانبخش، ۱۳۹۴).

نقیضه‌هایی به ترتیب تاریخی زیر به تقلید از گلستان سعدی نوشته شده است: اخلاق‌الاشراف، ریشنامه و رساله دلگشای عبید زاکانی؛ آثار منثور بسحق اطعمه (بغرانامه، خواننامه)؛ پریشان قآنی؛ خارستان اثر ادیب قاسمی کرمانی؛ التفصیل فریدون توللی و «نئوگلستان»، نوشته پدram ابراهیمی (۱۳۹۴ ش).

در این جستار، ابتدا و به اختصار به مقوله نقیضه و نقیضه‌پردازی پرداخته؛ سپس به معرفی، واکاوی و تحلیل کتاب نئوگلستان ابراهیمی توجه کرده‌ایم.

ضرورت و اهمیت پژوهش

جایگاه ممتاز گلستان سعدی و امتداد تاریخی آن در طول بیش از هفت قرن در زبان فارسی و اهمیتی که این

کتاب ارجمند به لحاظ تعلیمی و زبان طنزآمیز دارد، سبب گردیده است که نویسندگانی به تقلید از آن نقیضه‌هایی بپردازند. «پدرام ابراهیمی» یکی از نویسندگان معاصر است که نقیضه‌ای با نام «نئوگلستان» بر گلستان سعدی نوشته است. نویسنده با نگاهی تازه به بیان مشکلات، دردها و البته واقعیات اجتماعی پرداخته و با زبانی طنزآمیز آن را به مخاطب عرضه داشته است. اگر چه سال‌های اخیر، بازنویسی متون کلاسیک فارسی در قالب آثار معاصر رواج یافته است، اما بسیاری از این آثار هنوز از منظر نظری و تحلیلی به‌طور جدی بررسی نشده‌اند. «نئوگلستان» به‌عنوان اثری الهام‌گرفته از گلستان سعدی، نمونه‌ای قابل توجه از این جریان است که تحلیل آن می‌تواند به درک عمیق‌تری از نحوه مواجهه ادبیات معاصر با سنت کلاسیک بینجامد.

پیشینه پژوهش

درباره معرفی کتاب نئوگلستان پدرام ابراهیمی تنها یک مقاله دستیاب شد؛ این مقاله را جویا جهانبخش تحت عنوان «نئوگلستان! نظر به شوخی تازه‌ای با میراث شیخ شیراز» نگاشته و در آن به معرفی و نقد این اثر پرداخته است.

آثار زیر نیز به نقیضه و بررسی نقیضه‌های گلستان سعدی توجه کرده‌اند:

- کتاب «نقیضه و نقیضه‌سازان» نوشته مهدی اخوان ثالث؛ این کتاب به طور کامل به نقیضه و نقیضه‌پردازی پرداخته است. نویسنده در این کتاب، تا حد امکان تلاش کرده تا درباره نقیضه و مسائل پیرامون آن اطلاعات جامعی به خواننده ارائه دهد.

- مقاله‌ای با عنوان «نقیضه در گستره نظریه‌های ادبی معاصر» نوشته قدرت قاسمی‌پور؛ که در نشریه نقد ادبی به چاپ رسیده است. این مقاله، نقیضه را در حوزه نظریه‌های ادبی متن‌محوری همچون فرمالیسم روسی، ساختارگرایی و ساختارشکنی بررسی میکند.

- «تحلیل تعاریف نقیضه» عنوان مقاله‌ای است از محمدرضا صدریان؛ که در نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی چاپ شده، این مقاله پارودی را تقلید یا تغییر شکل عائدانه محصولی فرهنگی- اجتماعی میداند که با دیدگاهی سرگرم‌کننده و نه لزوماً تمسخرآمیز، موضوع اصلی خود را بازآفرینی میکند.

- «نقیضه و پارودی» نوشته غلامعلی فلاح قهرودی و زهرا صابری تبریزی؛ که در نشریه متن‌شناسی ادب فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان) به چاپ رسیده است. در این مقاله چنین آمده که ارائه تعریفی درست و روشن از نقیضه در ادبیات فارسی و پارودی در ادبیات غرب بسیار دشوار است؛ اما در نهایت تعریفی را از نقیضه برای مخاطبان ارائه داده است.

- «اصطلاح‌شناسی تطبیقی نقیضه و پارودی» نوشته زینب عرب‌نژاد و دیگران؛ که در نشریه ادبیات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان) به چاپ رسیده. این مقاله به تعاریف نقیضه و پارودی پرداخته است.

همچنین درباره گلستان سعدی و مقلدان آن نیز پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است که از جمله آنها میتوان به این موارد اشاره کرد:

- «مقلدان گلستان سعدی در ایران و خارج از ایران» از نصرالله کیالاشکی (دانشگاه پیام نور استان تهران)؛ این پایان‌نامه به ذکر مقلدان گلستان می‌پردازد و میزان توفیق آنها را بیان میکند. در نتیجه‌گیری این پژوهش چنین

آمده است که اگر چه افراد زیادی به تقلید از گلستان آثاری پدید آورده‌اند، اما تاکنون هیچکدام از آنها به اندازه سعدی در کارشان موفق نبوده‌اند.

- «مقایسه و نقد آثار مقلدان گلستان سعدی با تأکید بر این آثار (روضه خلد، بهارستان، پریشان، منشآت و ملسان)» از نسرین خداپنده (دانشگاه تربیت مدرس)؛ این پایان‌نامه شامل مطالبی چون سیر تاریخی تقلید از گلستان، مقایسه پنج اثر مذکور با گلستان سعدی و میزان تقلید و موارد ابتکار هر یک و همچنین بررسی ساختاری و تحلیل سبکی آنها است. در نهایت این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که مقلدان گلستان بیشتر به ظاهر کتاب و آوردن حکایات به نظم و نثر و مسجع بودن عبارات توجه کرده‌اند و به راز زیبایی سخن سعدی پی نبرده‌اند. اما از میان پیروان سعدی، تنها قائم‌مقام کوشید که بدون پدید آوردن کتابی مانند گلستان، با توجه به عوامل زیبایی کلام سعدی، سبک نگارش و روح سخن او را در منشآت به کار برد و موفق‌ترین پیرو سعدی گردد.

- «تأثیر سعدی بر نظیره‌پردازان گلستان» از امید کارگری (دانشگاه یزد)؛ در این پژوهش از مجموع ۶۵ گلستانواره، چهار اثر ممتاز و برجسته که عبارتند از: بهارستان جامی، پریشان قآنی، منشآت قائم‌مقام و التفاسیل فریدون تولگی مورد مقایسه و بررسی قرار گرفته و در نهایت به این نتیجه رسیده است که به طور کلی این نظیره‌پردازان رمز لطف کلام و سبک سعدی در گلستان را چنانکه شایسته است، درک نکرده و هر یک فقط در برخی از ویژگیها از این اثر تأثیر پذیرفته‌اند.

- «بررسی تطبیقی بلاغی و محتوایی آثار مقتبس از گلستان سعدی با تکیه بر (روضه خلد، بهارستان، پریشان و ملسان)» از رقیه گودرزی (دانشگاه ارومیه)؛ تحلیل محتوایی و ویژگیهای بلاغی آثار، از مطالب این پایان‌نامه است. این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که بیشتر مقلدان گلستان سعدی به ظاهر و طرز تنظیم کتاب و مسجع بودن عبارات و آوردن حکایات به نظم و نثر توجه کرده‌اند و هیچکدام از آنها علت واقعی زیبایی سخن سعدی را درک نکرده‌اند.

- «مقایسه‌ی شیوه‌های پرورش معانی در گلستان سعدی با آثار تقلید شده از آن، (روضه خلد، بهارستان، پریشان و منشآت)» از الهه شیرزادی (دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان)؛ در این پایان‌نامه، شیوه‌های پرورش معانی در آثار نام‌برده بررسی شده و در نهایت به این نتیجه رسیده که سعدی از ابزارها و راهکارهای گوناگون و متنوعی برای پروراندن مفاهیم استفاده کرده است. در ادامه، شیوه‌های پرورش معانی در روضه خلد، بهارستان، پریشان و منشآت مورد بررسی قرار گرفته و با گلستان مقایسه شده است.

- و رساله دکتري «بررسی ساختار نقیضه‌ها در شعر فارسی» از مجید دانائی (دانشگاه یزد)؛ این رساله ساختار نقیضه‌ها در شعر را بررسی میکند.

نقیضه و نقیضه‌پردازی

برای تعریف «نقیضه» ابتدا به تعاریف لغوی این واژه می‌پردازیم:

«نقیض» در لغتنامه دهخدا به معنی باشکونه چیزی، مخالف، نامانند، ناهمتا، ضد شیء و وارونه ضبط شده است و «نقیضه» هم مؤنث نقیض و به معنی «باشکونه جواب گفتن شعر کسی را»، و همچنین «نقیضه کردن» به معنی «شعر کسی را جواب گفتن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۶۸۳).

در فرهنگ معین هم «نقیض» به معنی ضد و مخالف و «نقیضه» مؤنث نقیض، بازگونه جواب گفتن شعر کسی را، مهاجرات و هجوگویی آمده است (معین، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۹۷۱).

همچنین آمده: «بین نقیض و ضد فرق قابل شده‌اند. نقیض آن است که دو طرف نه جمع شوند و نه معدوم گردند که چنانکه هست و نیست و حیات و ممات و ضد آنکه طرفین جمع نشوند و هر دو معدوم گردند چنانکه سفید و سیاه ممکن نیست که جمع شوند اما ممکن است که هر دو نباشند بلکه زرد باشند» (همان).

در کتاب واژگان توصیفی ادبیات، (Parody) معادل نقیضه و نظیره تمسخرآمیز دانسته شده و در ادامه چنین آمده است: «نقیضه در لغت به معنای بازگونه جواب گفتن به شعر کسی و هجوگویی است و لفظ Parody (در یونانی Parodeia) به معنای آوازی است که همراه آواز دیگر خوانده می‌شده است. در ادبیات، نقیضه شعری است که به تقلید شعر دیگری سروده شده و با چاشنی هزل و تمسخر آمیخته باشد و نیز نقیضه را تقلید تمسخرآمیز اثری جدی یا شیوه خاص نویسنده‌ای تعریف کرده‌اند. به طور کلی در نقیضه‌پردازی، سبک، دیدگاه، لحن و باورهای نویسنده‌ای به شکلی طنزآمیز تقلید و بازآفرینی می‌شود و هدف عمده نیز انتقاد از نویسنده یا اثر اوست» (رضایی، ۱۳۸۲، صص 250 و 251).

و اما نقیضه در اصطلاح ادبی، بدان معنا که در این پژوهش مد نظر است و همان پارودی (Parody) نام دارد، «... نوعی تقلید سُخره‌آمیز ادبی می‌باشد. شاعر و نویسنده نقیضه‌ساز از سبک، قالب و طرز نگارش نویسنده یا شاعری خاص تقلید میکند ولی به جای موضوعات جدی و سنگین ادبی در اثر اصلی، مطالبی کاملاً مغایر و کم‌اهمیت می‌گنجاند تا در نهایت اثر اصلی را به نحوی تمسخرآلود جواب گفته باشد» (داد، ۱۳۸۵، ص ۴۹۶). پارودی که در قدیم به آن نقیضه می‌گفتند و برخی آن را نظیره طنزآمیز ترجمه کرده‌اند، شعری است که به تقلید از شعر دیگری سروده شده و مبتنی بر طنز و هزل است و در واقع اثر دوم، اثر نخستین را به سخره گرفته است (شمیسا، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳).

منصور رستگار فسایی «نقیضه» را یکی از انواع شعر غنایی فارسی ذکر میکند. انواع شعر غنایی فارسی از این قرار است: شعر مدحیه، رثاء و سوگنامه‌ها، نوحه‌سرایی و سوگ‌سروده‌های عاشورایی، شعرهای سنگ مزار، هزل و هجو، طنز، نقیضه و نقیضه‌سازی، بدیهه‌گوییها، احمداء، حسبیات، خمریات، ساقینامه‌سرایی، مغنی‌نامه‌سرایی، شعر فصول و ماهها و روزها، شهرآشوب، طرّدیات، شعر اطعمه، شعر البسه و اقمشه، شعر ساختمانها و دیوانها، معمّاسازی، ماده‌تاریخ‌سازی در شعر، چیستان و لغز، اخوانیات، ده‌نامه‌سرایی (رستگار فسایی، ۱۳۸۰، صص ۳۳۶-۱۶۱).

لازم است گفته شود که نقیضه، اسم و اصطلاح محتوا و غرض نوعی سخن منظوم و منثور است، نه اسم شکل و قالب شعر یا نثر. مثلاً نمیتوان گفت: رباعی، غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، نقیضه و... بلکه باید اینگونه گفت مثلاً: مدح، مرثیه، روایت، غنا، تمثیل، حماسه، هجا، نقیضه و... (اخوان ثالث، ۱۳۷۴، ص ۳۸).

گاهی نقیضه در عنوان اثر اتفاق می‌افتد و مخاطب با شنیدن عنوان اثر متوجه نقیضه بودن آن اثر میشود. برای مثال اگر آذر بیگدلی نام اثرش را «تذکره آتشکده» می‌گذارد، شخصی به نام میرزا محمدعلی مذهب اصفهانی نقیضه خود را «تذکره یخچالیه» نام مینهد و در این صورت مخاطب سریع به نقیضه بودن اثر پی می‌برد (قاضی، ۱۳۹۳). همچنین است عنوان کتابهای «پریان»، «خارستان» و «نئوگلستان» که نقیضه‌های گلستان سعدی هستند و نقیضه بودنشان از نامشان نمایان است.

یک مسئله مهم درباره نقیضه‌ها این است که شاخصه موفقیت در آنها چیست یا به عبارتی، نقیضه‌ها باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند تا موفق به شمار بیایند. شاخصه‌های یک نقیضه موفق بدین قرار است: ۱. ابتکار. ۲. رعایت کردن و یادآوری اصل سرمشق. ۳. داشتن محتوا و مضمون سرگرم‌کننده و جذاب. ۴. رعایت ادب و عفت (دهقانی، ۱۴۰۰).

نقیضه‌پردازی در ادبیات فارسی سابقه دیرینه دارد، اما در قرن هشتم عبید زاکانی در این زمینه گوی سبقت را میرباید و پارودی در این دوره با عبید به اوج می‌رسد (نیکوبخت، ۱۳۷۵). پس از وی از پارودی‌سرایان معروف میتوان به بسحق اطعمه شاعر اواخر قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم اشاره کرد که به طور قطع باید وی را از نقیضه‌پردازان مطرح و شناخته شده دانست. از روزگار بسحق تا امروز نقیضه‌پردازی به حیات خود ادامه داد. در دوران معاصر می‌توان از فریدون توللی نام برد که «التفاصيل» او نقیضه‌ای بر گلستان سعدی است.

در یونان قدیم و در ادبیات غرب هم نقیضه سابقه‌ای طولانی دارد. ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) در هنر شاعری خود، به شاعری نقیضه‌پرداز به نام هِگِمون (قرن پنجم پیش از میلاد) اشاره میکند و او را اولین سراینده نقیضه میدانند. اریستوفان (۴۵۰-۳۸۵ ق.م؟) شاعر یونانی نیز بر بعضی از آثار اورپید (۴۸۵-۴۰۶ ق.م) نقیضه نوشته است و نمایشنامه عوکان او نمونه نقیضه در ادبیات قدیم است. در دوران رنسانس یا نوزایی سروانتس (۱۵۴۷-۱۶۱۶ م) با نوشتن کتاب دن کیشوت در حقیقت بر رمانسهای (رمانتیسیم) دوره قرون وسطی نقیضه نوشت. در دوره‌های بعد، به خصوص در قرن نوزدهم، نقیضه‌هایی بر آثار شاعران و نویسندگان بزرگی از قبیله لردبایرون (۱۷۸۸-۱۸۲۴ م) وردزورث (۱۷۷۰-۱۸۵۰ م) شاعران انگلیسی و ادگار آلن پو (۱۸۰۹-۱۸۴۹ م) شاعر و نویسنده آمریکایی و بسیاری دیگر از شاعران نوشته شد که اغلب حاصل کار نویسندگانی هم‌طراز با آنان بود» (میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۹).

نئوگلستان

«نئوگلستان»، اثر پدرام ابراهیمی آگاهانه و با صراحت، خود را در نسبت با گلستان سعدی تعریف می‌کند. این کتاب نقیضه‌ای بر گلستان سعدی است که سال ۱۳۹۴ ه. ش توسط نشر چرخ با همکاری نشر چشمه منتشر شد و روایتی طنزآمیز است از بخش‌هایی از گلستان سعدی و همچنین حکایاتی از بوستان و آمیخته‌ای است از نظم و نثر که پنجاه و سه حکایت دارد. نخستین فصل کتاب با عنوان «در معنا» شامل بیست حکایت است. فصل دوم زیر نام «در پرانتز»، حکایات بیست و یکم تا بیست و ششم از کتاب را در خود جای داده است. حکایات های بیست و هفتم تا پنجاه و سوم نیز در فصل سوم با عنوان «در صورت» جای داده شده است. علاوه بر این کتاب دارای یک پیشگفتار و یک واژه‌نامه است. نویسنده از همان پیشگفتار، وجود نسخ متعدد گلستان را دستمایه شوخ‌طبعی قرار داده و عنوان کرده است که با بررسی قرائن، فقط توانسته است از وجود فردی به نام شیخ مصلح‌الدین اطمینان حاصل نماید و درباره گلستان، هر چه بیشتر کاوش کرده، اطمینان خود را به هر آنچه به اسم گلستان خوانده، از دست داده و تصمیم گرفته خود بدون رودربایستی کتاب را بکوبد و از نو بسازد؛ سپس سه نسخه از گلستان سعدی را به صورتی طنزآمیز معرفی میکند و میگوید نسخه الهام‌بخش او در نگارش کتاب نئوگلستان، نسخه‌ای بوده که فقط جلد و پشت جلد داشته و این نسخه دست نویسنده را برای نوسازی بنای گلستان باز گذاشته است.

نویسنده، به گونه‌ای مبتکرانه از حکایتهای گلستان تقلیدِ طنزآمیز کرده، مضامین آن را تغییر داده یا متضاد کرده است. نکته جالب توجه اینکه در این کتاب، حکایات سعدی به روز رسانی شده است. ابراهیمی در این حکایات‌ها با الگو قرار دادن سبک و نثر گلستان سعدی، سعی کرده از روزگارِ خود سخن بگوید و به مسائل و مضامین فردی و اجتماعی روز بپردازد. تلاش نویسنده بر این است که زبان کلاسیک گلستان را حفظ کند؛ اما با دیدی تازه به مفاهیم و موقعیت‌های انسانی نگاه کند و طنز را از دل حکایات‌های قدیمی بیرون بکشد و با مخاطب امروزی پیوند دهد. به طور مثال در باب اول گلستان و در نخستین حکایت آن، پادشاهی به کشتن اسیری فرمان میدهد. اسیر از سر ناامیدی به سلطان ناسزا میگوید. پادشاه از دو وزیر خود میپرسد که مرد اسیر چه میگوید. وزیر نیک‌سرشت

عبارتی میگوید تا بتواند اسیر را نجات دهد؛ ولی وزیر بدنهاد حقیقت را به پادشاه میگوید و در نهایت شاه دروغ مصلحت‌آمیز وزیر نخستین را میپسندد و آن را بر راست فتنه‌انگیز وزیر دوم ترجیح میدهد؛ اما در نئوگلستان داستان وارونه میشود. شاه دستور میدهد که محکوم را به زاری بکشند و بیم آن میرود که وزیر با حسن‌نیت را هم به همان سرنوشت دچار کنند.

در اینجا دو نمونه از حکایات نئوگلستان را که به تقلید از حکایات گلستان نوشته شده میاوریم:

حکایت نخست از گلستان سعدی:

«دو درویش خراسانی ملازم صحبت یکدیگر سفر کردند. یکی ضعیف بود که هر به دو شب افطار کردی و دیگر قوی، که روزی سه بار خوردی. اتفاقاً بر در شهری به تهمت جاسوسی گرفتار آمدند. هر دو را به خانه‌ای کردند و در به گِل برآوردند. بعد از دو هفته معلوم شد که بی‌گناه‌اند، در را گشادند. قوی را دیدند مرده و ضعیف جان به سلامت برده. مردم در این عجب ماندند. حکیمی گفت: خلاف این عجب بودی. آن یکی بسیارخوار بوده است، طاقت بینوایی نیاورد، به سختی هلاک شد. وین دگر خویش‌نمدار بوده است، لاجرم بر عادت خویش صبر کرد و به سلامت بماند.

چو کم خوردن طبیعت شد کسی را چو سختی پیشش آید، سهل گیرد
وگر تن‌پرور است اندر فراخی چو تنگی بیند، از سختی بمیرد»
(گلستان، باب سوم)

نقیضه حکایت از نئوگلستان:

«دو درویش خراسانی ملازم صحبت یکدیگر سفر کردند. یکی ضعیف بود که به هر دو شب افطار کردی و دیگری قوی که روزی شش بار خوردی. اتفاقاً بر در شهری به تهمت جاسوسی، اخلال در امنیت، نشر اکاذیب، تباری برای برهم زدن نظم عمومی، اجتماع بیش از یک نفر و مزاحمت برای نوامیس ایشان را بگرفتند و هر دو را به خانه‌ای کردند و در به گِل برآوردند. بعد از سه ماه معلوم شد غلط املایی بوده و بی‌گناه‌اند. در بگشادند. ضعیف را ندیدند و قوی را دیدند زنده و استخوانی چند گردش ریخته. حکیمی گفت: «خلاف این اگر بودی عجب بودی. آن یکی خویش‌نمدار بوده است و بر عادت خویش صبر کرده و این یکی خویش‌نمدار بوده و پس از آنکه بیم جان برده، دوست را خورده و جان به سلامت برده.

کسی کو کم خورد یا کم بخواهد ته صف جای او باشد همیشه
خوراک کم اگر شرط بزرگیست همیشه خر بُود سلطان بیشه»
(ابراهیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۸)

در حکایت ذکر شده، شاه‌دیم که نویسنده، پیام حکایت را تغییر داده است. حکایت گلستان بر اخلاق فردی متمرکز است و باور سعدی این است که اگر درست زندگی کنی، جهان هم پاسخ تو را به خوبی خواهد داد؛ اما ابراهیمی در پایان‌بندی حکایت قدرت را اساس کار قرار میدهد و میگوید اگر ضعیف باشی، جهان تو را حذف خواهد کرد.

حکایت دوم از گلستان سعدی:

«پادشاهی با غلامی عجمی در کشتی نشست و غلام دیگر دریا را ندیده بود و محنت کشتی نیازموده. گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش اوفتاد. چندان که ملاطفت کردند، آرام نمی‌گرفت و عیش ملک از او منقص بود، چاره ندانستند. حکیمی در آن کشتی بود، ملک را گفت اگر فرمان دهی من او را به طریقی خاموش گردانم، گفت غایت لطف و کرم باشد. فرمود تا غلام به دریا انداختند. باری چند غوطه خورد، مویش گرفتند و پیش کشتی آوردند،

به دو دست در سکان کشتی آویخت. چون برآمد، به گوشه‌ای بنشست و قرار یافت. ملک را عجب آمده پرسید درین چه حکمت بوده گفت از اول محنت غرقه شدن ناچشیده بود و قدر سلامت کشتی نمیدانست. همچنین قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.

ای سیر! تو را نان جوین خوش ننماید
معشوق من است آنکه به نزدیک تو زشت است
حوران بهشتی را دوزخ بود اعراف
از دوزخیان پرس که اعراف بهشت است
فرق است میان آن که یارش در بر
تا آنکه دو چشم انتظارش بر در
(گلستان، باب اول)

نقیضه حکایت از نئوگلستان:

«پادشاهی با غلام عجمی به کشتی نشست و غلام هرگز دریا ندیده بود و از آنجا که شنیده بود دو کس در کشتی به یکدیگر دل بستند و کشتی به یخ نشست و عاشق بیچاره به دریای یخ‌دربهشت اندر شد، گریه و زاری بی‌اغازید و لرزه بر اندامش افتاد. چندان که ملاطفت کردند، آرام نگرفت و بر خوان عیش ملک که خود حالت تگری داشت نقش خرمگس مضاعف داشت. چاره ندانستند.

حکیمی در آن کشتی بود که فرار مغزها می‌کرد. ملک را گفت: «اگر اجازت دهی، او را به طریقی که دانم خاموش کنم.» گفت: «غایت لطف و کرم باشد.» حکیم گفت: «همین؟ امر دیگر ندارید؟» ملک گفت: «آهان! البته لطف تو را به صد دینار جبران کنم.» گفت: «این غلام قدر سلامت کشتی نمی‌داند. به دریا بیندازیم و پس از اندکی بگیریمش که قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.» پس بفرمود تا غلام به دریا انداختند.

باری غوطه‌ها خورد و همزمان بر جان مادر ملک قسم داد که نجاتش دهند و بر مادر حکیم حمد و ثنای بی‌پایان گفت. حکیم برنجید و بقیت مداوا را واگذارد. ملک را گفت: «صد دینار به من بخشیدی تا خرمگسی از تو دور شود، صد دینار دیگر می‌ستانم و چاره‌ای می‌سازم که دیگر برنگردد.» دینارها ستاند و جاشوان را گفت پاره بزنید. و بدینسان سر خود گرفتند و صحنه جنایت ترک نمودند.

ز دست دیده و دل بود فریاد ولیکن اصل کاری رفت از یاد
زبان در ملک ما دژبان جان است زبان بود آن چه سرها داد بر باد
(ابراهیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۹ و ۲۰)

یکی از ویژگیهای بارز و البته مثبت و خلاقانه نئوگلستان این است که نویسنده بخشی از متن گلستان را عیناً می‌آورد و با جملات خود می‌آمیزد و داستان را تغییر میدهد و این امر، نقیضه را قوی میکند و حال آنکه یکی از ویژگیهای مهم نقیضه آن است که رگه‌های متن اصلی نیز در آن دیده شود و نئوگلستان حائز این ویژگی است. در ادامه به نمونه‌هایی از این ویژگی پرداخته‌ایم:

- «پادشاهی شنیدم دست بر هم بکوفت و، به همین سبب محکمه‌پسند، کشتن اسیری را اشارت کرد» (همان: ص ۱۱).

- «یکی از ملوک غزنوی، محمود سبکتکین را به خواب چنان دید که جمله گُرک و پر او ریخته و خاک شده مگر چشمان او که همچنان در چشم‌خانه همی‌گردید و نظر می‌کرد. کتاب تعبیر خواب ابن‌سیرین در این باب چیزی نیفزودش و سایر حکما از تأویل این خواب فروماندند...» (همان: ص ۲۱).

- «این حرفای تو باد هواس، هر چی که تو گفتی اشتباس، حرفای تو رو کامل شنیدم، اما توی اونا چیزی ندیدم، بهتر از اون حرفی که قدیم، به من میگفت یه دوست ندیم، قابله‌م بود یادت می‌آد؟ شاعر تراک یه روز خوب می‌آد... می‌گفت زن جوان را یک تیر، در پهلوی به از یک پیرا» (همان:ص ۲۶).

- «وقتی افتاد فتنه‌ای در شام

هر کس از گوشه‌ای فرا رفتند

پسران وزیر ناقص‌عقل

به امانگاه پادشا رفتند

روستازادگان دانشمند

طبق معمول بد به ...»

(همان:ص ۳۵)

- «بنز و پورشه به چشم مردم سیر کمتر از یک پراید ارزان است
آنکه را دستگاه و قوت نیست اوج لذت چراغ پیکان است»

(همان:ص ۳۶)

عبارات و جملات نئوگلستان تلفیقی از عبارت کهن و تعبیر امروزی است. به گونه‌ای که نویسنده در لا به لای متن کهن گلستان، عبارات و جملات امروزی، مدرن و گاه عامیانه آورده است:

- «... ندیم بگفت: «حالا چند؟» گفت: «چه چند؟» ندیم گفت: «این میل و آن بوفه. خب قربانت شوم، چقدر نذر کرده‌اید؟» گفت: «چهارصد درم». ندیم درآمد که «گرفته‌ای ما را؟ حقیر پنداشتی که سه دانگ از باغ مصفا را نذر کرده‌اید. بهش بدید بره!» پادشاه پرسید: «چه؟» گفت: «بهش بدید بره!» پادشاه لختی بیندیشید و سرانجام یکی از بندگان خاص را فراخواند که غلامی عاقل و هوشیار بود. کیسه درم را به سمت او پرتاب کرد و گفت: «لازم نیست بشمری. طبق معمول مسئول صحنه کیسه‌ها را در بسته اینجا گذارده. حتماً خود شمرده. برو و این کیسه‌ها را صرف کن بر زاهدان.» غلام برفت و بازنگشت. چون شب به نیمه رسید، پیدا شد. خسته و ژولیده. پادشاه گفت: «گفتیم نکند اختلاس کردی و زدی به چاک.» غلام گفت: «ای ملک! چارصد درم دیگر چی‌چی است که اختلاس هم داشته باشد؟...» (همان:ص ۱۷).

پس از معرفی اجمالی نئو گلستان، در بخش بعد برآنیم تا کتاب را از جهت سبکی بررسی کنیم؛ برای این منظور کتاب را در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری مورد ارزیابی قرار میدهیم.

تحلیل نئوگلستان در قلمرو زبانی:

قلمرو زبانی مقوله‌ای گسترده است که در آن به سطوح آوایی، لغوی و نحوی توجه میشود. در این زمینه موارد زیر در کتاب نئوگلستان برجسته و قابل توجه است:

* سجع

«یکی را دیدم پایپوش اصل آدیداس پوشیده و ظریفان نیکوخصال صاحب جمال به گرد او گردیده... و بی‌ام دلبیوی زدفور بر در بستان پارکیده، نرمش‌ها می‌کرد» (همان:ص ۳۶).

«توانگرزاده درآمد که از قضا پدر من دو ده بار به سفر حج رفتی و در هر روز ده گرسنه سیر بکردی و در هر ماه ده برهنه بیوشاندی و...» (همان، ص ۴۰ و ۴۱).

«که روی آن اگرچه در تلخی ولی با راستی بود و بنای این بر شیرینی و در کاستی» (همان:ص ۱۲).

«...که گویند معرف چو ضحیم باشد، تلاش دشمن عقیم باشد» (همان:ص ۱۵).
«تنی چند از روندگان همسفر بودند در تور سیاحت و در راه شریک سختی و راحت» (همان:ص ۷۹).
«من سر بر آستان دارم و تو سر بر آسمان» (همان:ص ۸۶).
«یکی از همصحبتان قدیم را که درویش بود دیدم بر بادپایی روان و غلامی در پی او دوان» (همان:ص ۹۳).

* تکرار

«وقتی میری با چشم تر
هر چی میخوای با خود ببر
بربطو با خودت نبر
وقتی داری میری سفر
هر چی دلت میخواد ببر
بربطو با خودت نبر
بربطو با خودت نبر»

(همان:ص ۵۰)

داشت و عمرش پی حسرت سپرد سیر نشد سیر نشد تا بمرد
(همان:ص ۹۲)

آلارم زن بلند شد که «دیدید دیدی... دیدی دیدی...» (همان:ص ۵۳)
«فریاد بر آوردم که تربیت شما خجستگان ناممکن است، ناممکن است، ناممکن است» (همان:ص ۷۷).
«مرد حسابی! گفتم که خواب دیدم صدایت خوش بود. خواب دیدم. خواب.» (همان:ص ۹۶).
«نکند... نکند... نکند مردم صدای من را ناخوش می‌دارند؟» (همان).
هر آن دیوار قدیمی که پیش آمدی به قوت بازو بیفکندی و نعره زدی: «آیتم بعدی... آیتم بعدی...» (همان:ص ۱۱۳).

* جناس

«مهر شهاد در دل و مهر زهاد بر پیشانی» (همان:ص ۵۰).
«خندان و لول می‌رفت و پارسا را در گوشه‌ای ملول همی‌یافت...» (همان).
بسا آن کس که کارش کشت مین است گذارش روز بعدی زان زمین است
(همان:ص ۵۹)
وگر از مبدأش در حدّ موری سرش کج شد رود اقصای غوری
(همان:ص ۷۶)
اگر مویه مانع شد از لغت و لیس یکی روضه‌خوان بهتر از صد پلیس
(همان:ص ۸۲)

«ارز چنچ نکرده و نان و پنیر چنجه نکرده» (همان:ص ۹۴)

* لغات امروزی و واژه‌های انگلیسی

نظر به این که کتاب نئوگلستان از نوترین نقیضه‌های گلستان است، واژگان امروزی و انگلیسی نیز به وفور در آن

دیده می‌شود. اسامی ماشینها مانند بنز، پورشه، پراید و پیکان. افراد مشهوری چون نیکول کیدمن و مرلین مونرو. مکان‌هایی مانند آنتالیا، بلغارستان، قبرس، اندلس، نیوزلند، فرانس، اوکراین. وسایلی از قبیل مبل، بوفه، لامپ، سیم، موبایل، اسپری، سیفون و لغاتی نظیر گرافیتی، اتمسفر، دسکتاپ، کامنت، ریتیمیک، میک‌آپ، تاتو، دنسینگ، آلزایمر، وجتیلیان، نوستالژیک، ایدز، ژلوفن، لیدو کابین، چنج، سکوریته و نظایر آن در کتاب قابل مشاهده است.

بگفتا تیک ایت ایزی نو پرابلم ددی‌جان می‌کند آن را هماهنگ
(همان:ص ۳۳)

«این داروی ضد اعتیاد کمپانی پرفکت است» (همان:ص ۳۸).

هر آن کو بر کوئست اندر بیامد برای جذب ممبر جست و جو کرد
(همان)

«دیدم نصیحت نمی‌پذیرد و هر چه به مغزش پیام ارسال می‌کنم دلیوری نمی‌دهد» (همان:ص ۴۳).

کردم پرزنت و نرم‌خویی تا راه مفارقت نپویی
(همان:ص ۲۵)

* کثرت تنوین

در نئوگلستان از واژگان تنویندار، مکرر استفاده شده است:

«لازم نیست بشمری. طبق معمول مسئول صحنه کیسه‌ها را در بسته این‌جا گذارده. حتماً خود
شمرده...» (همان:ص ۱۷)

«اتفاقاً بر در شهری به تهمت جاسوسی، اخلال در امنیت، نشر اکاذیب، تبانی برای بر هم زدن نظم عمومی، اجتماع
بیش از یک نفر و مزاحمت برای نوامیس ایشان را بگرفتند و هر دو را به خانه‌ای کردند و در به گِل
برآوردند» (همان:ص ۱۸).

«تاموساً بیخیال. اصلاً من او را بخشیدم؛ حال چه می‌گویید؟» (همان:ص ۳۷).

«هان ای مردم! این پیر جانماز آبکش را بنگرید که ظاهراً قصد نامزدی در انتخابات دارد» (همان:ص ۵۰).

«این وسط حکماً دست اجانب در کار است...» (همان:ص ۶۶).

«در زیر میز متصلاً مشغول ارسال و دریافت پیامک...» (همان:ص ۷۷).

«... که گویا نهایتاً به توافق مالی نرسیدند» (همان:ص ۱۱۵).

«... و معمولاً از نزدیک من می‌گذشت...» (همان:ص ۱۱۶).

* کوتاهی جملات و ایجاز

عبارات نئو گلستان اغلب دارای اعتدال است، بدینگونه که نویسنده نه توضیح اضافی و غیرمعمول داده و نه خیلی
به اختصار و موجز نوشته؛ اما در بعضی جملات ایجاز را رعایت کرده است و صرفاً با بیان افعال پی در پی به بیان
مطلب پرداخته است، مانند:

«همچنین می‌گریست و می‌نالید و می‌رفت» (همان:ص ۵۰).

«قاضی حکمش بخواند و دفتر بیست و برفت» (همان:ص ۵۸).

※ حذف فعل به قرینه

«مرد شتیل را دو برابر کردی و استاد هشت ساعت در روز به فرزند توانگر درس پرداختی و دو ساعت به فرزندان خویش» (همان: ص ۳۲).

«...جهد سخت کنم و خیالت تخت» (همان).

«شب فرا رسید و طعام نداده، بالش پرِ قو برایمان بیاورد و خود تا سحر از تسبیح و بندگی به خواب نرفت و ما از ضعف و گرسنگی» (همان: ص ۵۶).

※ همی + فعل

«همه اوقات بر این نهاده بودم و از جیب همی خوردم...» (همان: ص ۳۲).

«... راه می‌روم و می‌خورم و سوت همی‌زنم» (همان: ص ۴۳).

«اصحاب از نیش زبان وی خسته‌خاطر همی‌بودند و تحمل بکردند» (همان: ص ۴۴).

«دگرگونه رای همی‌زدند» (همان: ص ۶۸).

※ باء تأکید + فعل

«ای سلطان، تو را دشنامهای ریشه‌ای بداد و سق‌طهای چندان بگفت...» (همان: ص ۱۱).

«... که ناگاه مأمور مطبخ ندا بداد که غذای سلطان آماده است. و این چنین وزیر کاردان از مرگ برست» (همان: ص ۱۲).

«ندیم دانا که این بشنید بگفت...» (همان: ص ۱۷).

«... که از آن عذاب الیم برهیدم و بدین نعیم مقیم برسیدم» (همان: ص ۲۶).

«و چون مرا دید، پیشانی ام ببوسید...» (همان: ص ۵۶).

«بالش پر قو برایمان بیاورد و...» (همان).

«مأموران سلطان سوخماز اوغلی پنجم بگرفتند و بزدند و به طویله اندرش بینداختند» (همان: ص ۵۸).

«قاضی حکمش بخواند و دفتر بیست و برفت» (همان).

«ناگهان همگان از هیجان صبحه‌ها کشیدند و سگته‌ها بزدند...» (همان: ص ۷۵).

«دوستش به همین حد رضایت داد و برفت» (همان: ص ۹۶).

※ افعال پیشوندی

«...و عمر خود را طومار در پیچیدی» (همان: ص ۱۴).

«چون حاجت برآمد و خر از پل برگذشت...» (همان: ص ۱۶).

«چون زاهدان را ندا دردادم...» (همان: ص ۱۷).

«باری زندگی به عادت درافتاد...» (همان: ص ۵۸).

※ «را» در معنای حرف اضافه

«دینارها ستاند و جاشوان را گفت پارو بزنید» (همان: ص ۲۰).

«آستین مدارا از کف بداد و بقال را گفت:» (همان:ص ۴۴).

* «الف» منادا

«خداوند، وی را توبه رسان و مرا بر کشتی بیداری نشان...» (همان:ص ۵۰)
«زاهدا، ذکر "نه" بر سر گرفته‌ای و به بخت خود پشت‌پا می‌زنی» (همان:ص ۸۷).
«شاه، این مال اگر خرج درخت کاج کرده بودی، تا کنون گردو داده بود...» (همان:ص ۸۸).
«عزیز، نیست که با این سیستم این وقت شب آمده بودی برای همایش آسیب‌شناسی گفتمان نیهیلیست در تصوف قرن هفتم؟!» (همان:ص ۱۰۶)
«نگارا، شوخی کردم» (همان).

* فعل دعایی

سیستم شاه مملکت این باد جای هر مرد لایقی فین باد
(همان:ص ۶۶)

«تو را خوابی دیده‌ام، خیر باد» (همان:ص ۹۶).

* استعمال مصادر جعلی

یکی از اختصاصات کتاب نئوگلسستان استفاده از مصادر جعلی به صورت پرتکرار است. برای نمونه، مؤلف به جای «پارک کردن»، از «پارکیدن» و همچنین به جای «لاغر کردن/ لاغر شدن» از فعل «لاغریدن» استفاده کرده است: «... و بی‌ام‌دبلیوی زِ دُفُور بر در بستان پارکیده، نرمش‌ها می‌کرد» (همان:ص ۳۶).
«خانه‌اش بهترین گزینه بدی
هر که را قصد لاغریدن داشت»
(همان:ص ۹۴)

* استفاده از ضرب المثله

«دست از این کوتاه دار که صدای برخورد کفگیر بر ته دیگ دشمنان را شیپورِ حمله است» (همان:ص ۱۳).
«چون حاجت برآمد و خر از پل برگذشت...» (همان:ص ۱۶)
«وجه نذر را آخر که داده و که ستانده؟ جو مرا گرفته بود. شتر دیدی ندیدی» (همان).

* تنسیق الصفات

«بخت بلندت یار بود و چشم دولتت بیدار که به صحبت پیری افتادی پخته و جهان‌دیده و کاربلد. سرد و گرم چشیده و نیک و بد آزموده، راه راست رفته و نلغزیده. مشفق و مهربان، خوش‌طبع و خوش‌زبان. خوش‌رنگ و ترد و با نمک...» (همان:ص ۲۵)
«و نه گرفتار آمدی به دست جوانی خیره‌رای بی‌ثباتِ هیجانی که هر دم هوسی پزد و هر لحظه بخش‌نامه‌ای صادر کند و هر شب جایی خسبد و هر روز یاری گیرد» (همان:ص ۲۶).
«عقد نکاحش بستند با جوانی تند و ترش‌روی، تهی‌دست بدخوی» (همان).

تحلیل نئوگلسستان در قلمرو ادبی:

در این بخش به برجستگی‌های ادبی کتاب پرداخته شده است.

※ تشبیه و اضافه تشبیهی

دژخیم به دست دد گرفتار مانند سگی به چنگ گفتار
(همان:ص ۲۱)

در کار خودت چو توسن ترکمنی در نفع خلافت چو خر در چمنی
(همان:ص ۴۶)

«به گور پدرت چه ماند؟ عینهو هسته‌ی خرمالو در زمین کاشته و مشتی دو خاک بر او پاشیده» (همان:ص ۴۰).
«زنهار فریب مکر و تزویر او را مخورید که دمامد چو دریا اشک ریزد و خود غرق دریای حرص است» (همان:ص ۵۰).
«شیی یاد دارم که در دیار بکر بودم و یاری از در درآمد. دیدگانش دریا و گیسوانش صحرا» (همان:ص ۱۰۶).

ظاهرش بین که راهب بوداست جیبش اما سه ضلع برموداست
(همان:ص ۱۷)

«... که دمامد چو دریا اشک ریزد و خود غرق دریای حرص است» (همان:ص ۵۰).
«خداوندا، وی را توبه رسان و مرا بر کشتی بیداری نشان...» (همان).
«عمویی داشتید در نیوزیلند که متأسفانه مرغ روحش از قفس جان پریده...» (همان:ص ۹۳).

※ کنایه

«دندان بر جگر تحمل میفشرد و دم نمیزد» (همان:ص ۴۴).
«چون حاجت برآمد و خر از پل برگذشت، نذرش در خاطر آمد» (همان:ص ۱۶).
«یکی از ملوک غزنوی، محمود سبکتکین را به خواب چنان دید که جمله گُرک و پَر او ریخته و خاک شده مگر چشمان او که همچنان در چشم‌خانه همی گردید و نظر می‌کرد» (همان:ص ۲۱).
«... که مگر دختر مغز خر خورد و مؤانست پذیرد و وحشت نگیرد» (همان:ص ۲۵).
«سرد و گرم چشیده و نیک و بد آزموده» (همان).

※ تضاد:

«کذب اگر تلخ و گاه شیرین است
مصلحت نیست بار کج بردن»

(همان:ص ۱۲)

«ستم در ذات خود چون بوم‌رنگ است
که رفتش لاغر و رجعت سمین است»
(همان:ص ۵۹)

«بی ترس دزد و تیغ شود روز، شام ما
چیزی درون خانه نداریم و ژنده‌ایم»

(همان:ص ۸۶)

«چو دارایی و گر بی چیز هستی
اگر این کس نداند، شهریاری»

(همان:ص ۹۹)

«بیچاره در آن حال نومیدی زیرچشمی نظر بر چپ و راست افکند» (همان:ص ۱۱).

«یکی ضعیف بود که به هر دو شب افطار کردی و دیگری قوی که روزی شش بار خوردی» (همان:ص ۱۸).

«بدرشتی را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی تا خزانه سلطان آباد کند» (همان:ص ۴۶).

«با رب بر بدان رحمت آر که آل ردی بر نیکان رحمت کرده‌ای و بدقبالان را نظر کن که خوش‌اقبالان فقط مانده مرا بخورند» (همان:ص ۵۴).

تحلیل نئوگلیستان در قلمرو فکری:

در نئوگلیستان، نویسنده اگرچه ساختارهای اجتماعی و سیاسی را نقد میکند، اما بیشتر رفتارهای انسانی تکرار شونده را هدف قرار میدهد. رفتارهایی نظیر ریا، خود بزرگ‌بینی، ساده‌لوحی، میل به قدرت، شهرت و تأیید. او نشان میدهد که ضعف‌های آدمیان، فرازمانی هستند؛ یعنی همان‌طور که در گذشته وجود داشته‌اند، در روزگار ما هم با شکلی تازه امتداد یافته‌اند. از این جهت دیدگاه ابراهیمی بسیار به سعدی شباهت دارد. او بیشتر به نقد انسان توجه دارد تا نقد زمانه. ابراهیمی در نئوگلیستان آینه‌ای مقابل چشم خواننده میگیرد تا خواننده پس از خنده به طور عمیق بیندیشد. در اغلب حکایت‌ها نویسنده سعی کرده است تا به صورتی غیرمستقیم، خرد جمعی، قضاوت‌های شتاب‌زده و نصیحت‌های کلیشه‌ای را نقد کند. برخلاف متون اخلاقی و تعلیمی کهن، نویسنده از حکایت‌ها، نتیجه‌گیری صریحی نمیکند و قضاوت را به عهده خواننده میگذارد. به طور کلی نظام فکری حاکم بر کتاب نئو گلیستان در دو بیت خاتمه کتاب، چنین خلاصه شده است که:

شرح احوال ملک و ملت ما از دو حالت قدم برون نهاد

یا که بیداد بعد آشوبی یا که آشوب بعد استبداد

«مضامین و درونمایه‌های حکایات کتاب، بسیاری از همان چیزهاست که هر روز درباره آن می‌گوییم و می‌شنویم و می‌اندیشیم. مضامینی چون: خودکامگی حکومتگران ستمران و فریبکاری ایشان، سنگدلیهای این ارباب قدرت و فزونخواهیهایشان، نیازمندیها و بی‌ظرفیتیهای رعایا در برابر فرصتها و نرمشهای گهگاهی، خطر حق گفتن در برابر متغلبان و مخاطرات زبانهای سرخی که سر سبز بر باد می‌دهند، دنیا دوستی زاهدنمایان طمع‌پیشه، پلشتیهای توانگران ناپاک دست‌بی‌ریشه، بی‌ثباتی و تقلب احوال ملک و ملت و خاصه پیرامونیان قدرت که «چون وقت سحر از خواب برمی‌خیزند، نمی‌دانند شام را در سرسرا با سران تناول می‌نمایند یا در خرسرا با خران»؛ بیش و کم همان مضامینی که در گلیستان سعدی نیز مجال طرح یافته و همان ناهمواریها که از روزگار سعدی تا امروز، گریبان ما باشندگان این اقالیم را رها نکرده است» (جهانبخش، ۱۳۹۴).

همایون کاتوزیان در یادداشتی که در آغاز کتاب نئوگلیستان درباره این کتاب نوشته، چنین آورده است: «... اما اصل مسئله این است سعدی در خیلی از حکایاتش سعی بر این داشته که اصحاب قدرت و مکت را به انصاف و مروت و مدارا ترغیب کند، حال آنکه آقای ابراهیمی با مبالغه در واقع‌بینی (یعنی آنچه که فرهیختگان سینیسم

می‌نامند) می‌خواهد بگوید که اصل بر ستمگری و دژکاری است. بی‌شک سعدی نیز _ شاید تا اندازه کمتری _ از این نکته غافل نبوده و حکایات خوشبینانه‌اش دقیقاً به این امید است که از ستمگری و بی‌انصافی بکاهد. اما کار آقای ابراهیمی طنز محض است در بیان آنچه مبالغه در واقع‌بینی نامیدم» (همایون کاتوزیان، یادداشتی بر نئوگلستان).

شباهت‌های نئوگلستان و گلستان سعدی

اگرچه نئوگلستان حجم کمتری نسبت به گلستان سعدی دارد و از دیباچه‌ی نظیر و مشهور گلستان نیز بی‌نصیب است؛ اما بین دو کتاب شباهت‌هایی به قرار زیر قابل توجه است:

_ هر دو کتاب آمیخته‌ای از نظم و نثر آهنگینند. نویسنده نئوگلستان به عمد زبانی را برگزیده که یادآور زبان سعدی است اما از گلستان سعدی طنزگونه‌تر و اغراق‌آمیزتر است.

_ در هر دو کتاب ایجاز و اختصار قابل مشاهده است.

_ دو کتاب روایتگر مسائل و معضلات مردم و جامعه زمان خود هستند.

_ در هر دو اثر، هر حکایت، یک واحد کامل معنایی است و خواننده می‌تواند کتاب را از هر بخشی باز کند و بخواند؛ به عبارت دیگر ترتیب حکایت‌ها الزاماً روایت خطی نمی‌سازد.

_ طنز سعدی و ابراهیمی غیرمستقیم و کنایی است. در هر دو کتاب موقعیتی ساخته می‌شود که خود، گویای همه چیز است و در واقع طنز از دل رفتار آدم‌ها برمی‌آید.

_ از جهت شخصیت‌پردازی، شخصیت‌ها در هر دو کتاب معمولاً تیپ هستند و نه شخصیت عمیق. مانند زاهد، نادان، حاکم، وزیر، دانشمند.

_ در هر دو کتاب شاهد نگاهی نسبی به عقل و اخلاق هستیم. عقل همیشه نجات‌بخش نیست و اخلاق همیشه ساده و شفاف نیست. گاهی فرد عاقل شکست می‌خورد و فرد اخلاق‌مدار گرفتار می‌شود.

_ نویسنده هر دو کتاب، خواننده را فردی هوشمند قلمداد می‌کند و به او باور دارد.

نتیجه‌گیری

نئوگلستان عنوان کتابی است که پدram ابراهیمی آن را به تقلید از گلستان سعدی نوشته است. این اثر جدیدترین نقیضه گلستان سعدی است که نه فقط از نظر زبان و قالب بلکه از نظر روش اندیشیدن، روایت‌سازی، طنزپردازی، نگاه انسانی و اعتماد به فهم خواننده، ادامه سنت گلستان سعدی است.

کتاب با دیگر نقیضه‌های گلستان سعدی تفاوت دارد. در بسیاری از نقیضه‌های گلستان، تقلید به زبان و سجع محدود می‌شود و اغلب، روح حکایت‌های سعدی در آنها قابل مشاهده نیست؛ اما در نئوگلستان زبان ابزار است و نه هدف و در واقع، منطق حکایت‌پردازی سعدی بازسازی شده است. نویسنده نئوگلستان به روش سعدی مینویسد نه به سبک سعدی.

اگر بگوییم که نقیضه موفق نوشته‌ای است که نویسنده آن، متن مرجع را به طور عمیق بشناسد، تقلید صرف نکند و دارای استقلال باشد، برای مخاطب سرگرم‌کننده و آگاهی‌بخش باشد و به تنهایی هم ارزش خواندن داشته باشد، نئوگلستان همه این ویژگی‌ها را دارد. یعنی هم نویسنده در آن ابتکار زیادی به خرج داده، هم اصل یادآوری سرمشق را رعایت کرده است. به عبارت دیگر، کتاب هم به گلستان سعدی وفادار است و هم استقلال دارد. هم طنز است و هم نگاه سعدی‌وار را به مسائل انسان معاصر منتقل می‌کند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش و مشارکت دو پژوهشگر سرکار خانم دکتر اکرم هراتیان و سرکار خانم دکتر زهرا دهقانی می‌باشد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران این مقاله بر خود واجب میدانند که مراتب تشکر و قدردانی خود را از سردبیر گرامی، مدیر مسئول و تمامی دست‌اندرکاران نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Akhavan Sales, Mehdi. (1995). Parody and Parodying. With the efforts of: Valiullah Daroudian. Tehran: Winter Publications: pp 38-116-120-122-125-40
- Aslani, Mohammad Reza. (2006). Dictionary of Satirical Vocabulary and Terms. Tehran: Karvan, p. 229
- Ebrahimi, Pedram. (2018). Neo-Golestan. Tehran: Charkh Publishing, pp. 18-19-20-11-21-26-35-36-17-40-41-12-15-79-86-93-50-۵۵-92-53-77-96-113-59-76-82-94-۱۳-33-38-43-25-37-66-115-116-58-32-56-44-68-75-101-14-87-88-106-46-16-99-54
- Bishq Atameh, Ahmad bin Hallaj. (2002). Generalities of Bishq Atameh Shirazi. Edited by: Mansour Rastegar Fasaie. Tehran: Miras Maktoob
- Cuddon, J.A (1984). *A DICTIONARY OF LITERARY TERMS*, Britain: Penguin Books
- Jahanbakhsh, Joya (2014). NeoGolestan! Commenting on a new humor with the legacy of Sheikh Shiraz. Research Mirror, 26th year, No. 6, pp.47-55
- Dad, Sima. (2006). Dictionary of Literary Terms. New edition. Tehran: Morvarid, pp. 496-497
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1998). Dictionary. Volume 14. Tehran: Tehran University Publishing and Printing Institute, pp. 22683
- Dehghani, Zahra. (2021). Evaluation and Analyzing the parodies of Saadi's Golestan. Master's Thesis. Tarbiat Modares University, pp. 111-112
- Rastegar Fasaie, Mansour. (2001). Types of Persian Poetry: Shiraz, Navid Shiraz Publications, pp. 161-336.
- Rezaei, Arabali. (2003). Descriptive Vocabulary of Literature (English-Persian). Tehran: Contemporary Literature, pp. 250-251

- Saadi, Mosleh bin Abdullah. (2010). Generalities of Saadi. Using the revised version of Mohammad Ali Foroughi and Professor Abdul Azim Gharib. Tehran: Iqbal, pp. 21-69
- Shamisa, Sirous. (2008). Literary Types. Fourth Edition. Tehran: Mitra, p. 233
- Qazavi, Seyedeh Fereshteh. (2014). A Study of Parody in Persian and Arabic Literature Based on the Theory of Affect Anxiety. Master's Thesis. Birjand University, p. 29
- Moeen, Mohammad. (2007). Persian Dictionary. Volume 2. Tehran: Edna, p. 1971
- Mir Sadeghi, Maymant. (1997). Art of Poetry Dictionary. Tehran: Mahnaz Book, p. 13-279
- Nikobakht, Naser. (1996). The Evolution of Satire in Persian Poetry (From the Beginning till end of the Eighth Century). Doctoral Thesis. Tarbiat Modares University, p. 129-135-137

فهرست منابع فارسی

- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۴). نقیضه و نقیضه‌سازان. به کوشش: ولی‌الله درودیان. تهران: انتشارات زمستان، ص ۳۸-۱۱۶-۱۲۰-۱۲۲-۱۲۵-۴۰
- اصلانی، محمدرضا. (۱۳۸۵). فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز. تهران: کاروان، ص ۲۲۹
- ابراهیمی، پدram. (۱۳۹۷). نئوگستان. تهران: نشر چرخ، ص ۱۸-۱۹-۲۰-۱۱-۲۱-۲۶-۳۵-۳۶-۱۷-۴۰-۴۱-۱۲-۱۵-۷۹-۸۶-۹۳-۵۰-۵۵-۹۲-۵۳-۷۷-۹۶-۱۱۳-۵۹-۷۶-۸۲-۹۴-۱۳-۳۳-۳۸-۴۳-۲۵-۳۷-۶۶-۱۱۵-۱۱۶-۵۸-۳۲-۵۶-۴۴-۶۸-۷۵-۱۰۱-۱۴-۸۷-۸۸-۱۰۶-۴۶-۱۶-۹۹-۵۴
- بسحق اطعمه، احمد بن حلاج. (۱۳۸۲). کلیات بسحق اطعمه شیرازی. تصحیح: منصور رستگار فسایی. تهران: میراث مکتوب
- جهانبخش، جویا. (۱۳۹۴). نئوگستان! نظر به شوخی تازه‌ای با میراث شیخ شیراز. آینه پژوهش، سال بیست و ششم، شماره ۶، صص ۴۷-۵۵
- حاجی‌مرادخانی، نیلوفر؛ پشتدار، علی‌محمد؛ گرجی، مصطفی و حاجی‌مزدرانی، مرتضی. (۱۳۹۴). سبک‌شناسی پارودی در آثار طنزآمیز سید ابراهیم نبوی. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱۸۱-۲۰۳
- داد، سیما. (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی. ویرایش جدید. تهران: مروارید، صص ۴۹۶-۴۹۷
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه. جلد چهاردهم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، صص ۲۲۶۸۳
- دهقانی، زهرا. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل نقیضه‌های گلستان سعدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۱۱-۱۱۲
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی. شیراز: انتشارات نوید شیراز، صص ۳۳۶-۱۶۱
- رضایی، عربعلی. (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات (انگلیسی-فارسی). تهران: فرهنگ معاصر، صص ۲۵۱-۲۵۰
- سعدی، مصلح بن عبدالمطلب. (۱۳۸۹). کلیات سعدی. با استفاده از نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی و استاد عبدالعظیم قریب. تهران: اقبال، صص ۶۹-۲۱
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). انواع ادبی. ویرایش چهارم. تهران: میترا، صص ۲۳۳

قاضوی، سیده فرشته. (۱۳۹۳). بررسی نقیضه‌گویی در ادبیات فارسی و عربی بر اساس نظریه‌ی اضطراب تأثیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند، ص ۲۹

معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی. جلد دوم. تهران: ادنا، ص ۱۹۷۱

میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۶). واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: کتاب مهناز، ص ۱۳-۲۷۹

نیکوبخت، ناصر. (۱۳۷۵). سیر تطور هجو در شعر فارسی (از آغاز تا پایان قرن هشتم). رساله دکتري. دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۳۷-۱۳۵-۱۲۹

Cuddon, J.A (1984). *A DICTIONARY OF LITERARY TERMS*, Britain: Penguin Books

معرفی نویسندگان

اکرم هراتیان: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: akramharatian@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-5324-5429)

زهرا دهقانی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

(Email: za.dehghani.960097@gmail.com)

(ORCID: 0009-0005-8429-4273)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Akram Heratian: Department of Persian Language and Literature, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

(Email: akramharatian@iau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-5324-5429)

Zahra Dehghani: Department of Persian Language and Literature, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

(Email: za.dehghani.960097@gmail.com)

(ORCID: 0009-0005-8429-4273)